

# بررسی جنبه‌های حقوقی اجرای دستور پرداخت بانکی

محمدباقر پارساپور<sup>۱\*</sup>، فرهاد بیات<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه قم، قم، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه قم، قم، ایران

پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۱

دریافت: ۱۳۹۱/۹/۲۵

## چکیده

انتقال وجه از طریق نظام بانکی وسیله‌ای رایج برای اجرای تعهدات قراردادی است؛ فرایندی که معمولاً با دستور متعهد آغاز می‌شود و با وساطت چندین بانک و واریز وجه به حساب متعهدگه پایان می‌یابد. فرایند انتقال وجه دارای جنبه‌های حقوقی قابل تأملی است. در این میان از بین موضوعاتی همچون نحوه اجرای فرایند و موانع آن و مهلت بانک جهت اجرای دستور پرداخت، تعیین دقیق زمان اتمام فرایند از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا در این لحظه ذمه متعهد بری شده، هدف او از شروع این فرایند محقق می‌گردد. از نظر قانون نمونه آنسیترال، در خصوص انتقال‌های بین‌المللی اعتبار [۱۹۹۲] قبول دستور پرداخت از سوی بانک ذینفع، لحظه اتمام فرایند و برائت ذمه صادرکننده محسوب می‌شود. عقیده‌ای که به نظر می‌رسد با توجه به مقررات بانکی موجود که مسؤولیت نهایی واریز وجه به حساب ذینفع را برعهده بانک ذینفع قرارداده است، در حقوق ایران نیز قابل پذیرش است.

واژگان کلیدی: دستور پرداخت، پرداخت بانکی، انتقال وجه، انتقال اعتبار، انتقال دین

## ۱. مقدمه

انتقال وجه اصولاً وسیله‌ای برای پرداخت است که ممکن است به نحو کاغذی یا الکترونیکی انجام گیرد. طبق راهنمای حقوقی آنسیترال درخصوص انتقال الکترونیکی وجوه:<sup>۱</sup> «انتقال وجه عبارت است از جابه‌جایی وجه از انتقال‌دهنده به انتقال‌گیرنده»<sup>۱</sup>، ص ۸] همچنین فرایند انتقال ممکن است از مرزهای یک کشور فراتر رفته، جنبه بین‌المللی به خود بگیرد. معیار بین‌المللی بودن انتقال، از نظر قانون نمونه درخصوص انتقال‌های بین‌المللی اعتبار<sup>۲</sup> قرار داشتن بانک ارسال‌کننده و دریافت‌کننده در دو کشور مختلف است (بند ۱ ماده ۱).

انتقال وجه<sup>۳</sup> اعم از انتقال اعتبار<sup>۴</sup> و انتقال دین<sup>۵</sup> است. انتقال اعتبار نوعی انتقال وجه است که در آن، حساب صادرکننده در بانک مبدأ، بدهکار و در مقابل، حساب ذینفع در بانک مقصد بستانکار می‌گردد؛ در حالی که در انتقال دین، فرایند انتقال برعکس است؛ یعنی حساب صادرکننده در بانک مبدأ، بستانکار و حساب مشتری در بانک مقصد بدهکار می‌شود [۱، ص ۷]. بنابراین، ملاک تفکیک این دو مفهوم، ریشه در «آغازگر» فرایند دارد. اگر آغازگر فرایند، انتقال‌دهنده<sup>۶</sup> باشد آن را انتقال اعتبار و در صورتی که انتقال‌گیرنده<sup>۷</sup> باشد آن را انتقال دین می‌نامند. دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجوه مصوب ۱۳۸۵<sup>۸</sup> به جای انتقال اعتبار از «انتقال مستقیم»<sup>۹</sup> و به جای انتقال دین از «انتقال معکوس»<sup>۱۰</sup> استفاده کرده است که به نظر می‌رسد این واژگان به مفهوم

۱. منظور از «راهنمای حقوقی» در این پژوهش، «راهنمای حقوقی آنسیترال درخصوص انتقال الکترونیکی وجوه» است.

۲. منظور از «قانون نمونه»، در این پژوهش، «قانون نمونه آنسیترال درخصوص انتقال‌های بین‌المللی اعتبار» است.

3. fund transfer
4. credit transfer
5. debit transfer
6. transferor
7. transferee

۸. منظور از «دستورالعمل»، در این پژوهش، «دستورالعمل صدور دستورپرداخت و انتقال وجوه بانک مرکزی ایران» است.

۹. طبق بند ۱ ماده ۱۹ دستورالعمل، انتقال مستقیم، انتقالی است که توسط مؤسسه مالی صادرکننده آغاز می‌گردد.

۱۰. طبق بند ۲ ماده ۱۹ دستورالعمل، انتقال معکوس، انتقالی است که توسط مؤسسه مالی ذینفع آغاز می‌گردد.

آن دو نزدیک‌ترند.

قانون نمونه تنها انتقال اعتبار را بررسی کرده و در عنوان خود به جای واژه fund از credit بهره برده تا debit را شامل نشود. در مقابل در راهنمای حقوقی از واژه fund استفاده شده تا هر دو کلمه را در برگیرد؛ زیرا هدف راهنمای حقوقی، بررسی آثار حقوقی تغییر انتقال کاغذی به الکترونیکی بوده است [۲، ص ۱۶].

با توجه به این‌که مبنای اصلی مقاله حاضر قانون نمونه آنسیترال است صرفاً جنبه‌های حقوقی فرایند انتقال «اعتبار» مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ یعنی زنجیره‌ای از دستور پرداخت که با دستور صادرکننده<sup>۱</sup> به منظور در اختیار قرار دادن اعتبار به ذینفع<sup>۲</sup> آن آغاز می‌شود (بند «الف» ماده ۲ قانون نمونه). طبق بند ۱۸ ماده ۱ دستورالعمل، دستورپرداخت، درخواست بی قید و شرط و غیرمبهمی است که طی آن صادرکننده به صورت کتبی یا الکترونیکی از مؤسسه مالی خود می‌خواهد تا وجه را از طریق یک یا چند مؤسسه مالی به یک یا چند ذینفع انتقال دهد...».

تعهد بانک به اجرای دستور پرداخت متضمن مباحث حقوقی متعددی است که نحوه اجرای دستور پرداخت و موانع آن در بند دوم و مهلت اجرا و زمان اتمام فرایند در بند سوم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲. نحوه اجرای دستور پرداخت بانکی و موانع آن

ماده ۸ و ۱۰ قانون نمونه به مبحث نحوه اجرا و ذیل آن‌ها به موانع اجرا اختصاص یافته است. لذا این دو موضوع در دو قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۲. نحوه اجرای دستور پرداخت بانکی

قانون نمونه نحوه اجرای دستور پرداخت را برحسب این‌که بانک دریافت‌کننده، بانک

---

1. originator  
2. beneficiary

ذینفع تلقی می‌شود یا خیر، به صورت جداگانه مورد بررسی قرار داده است. در نوشتار حاضر علاوه بر این تقسیم‌بندی، نحوه اجرا از لحاظ تعداد بانک‌های شرکت‌کننده در فرایند هم دسته‌بندی گردیده است.

## ۲-۱-۱. نحوه اجرا براساس نوع بانک

نحوه اجرای دستور پرداخت توسط بانک دریافت‌کننده در ماده ۸ و توسط بانک ذینفع در ماده ۱۰ بیان شده است.

### ۲-۱-۱-۱. نحوه اجرای بانک دریافت‌کننده

طبق بند «ل» ماده ۲ اجرا<sup>۱</sup> از منظر بانک دریافت‌کننده - جز بانک ذینفع - به معنای صدور دستور پرداخت به منظور اجرای دستور پرداخت دریافتی است. در نتیجه، چنانچه بانک دریافت‌کننده، بانک ذینفع نباشد، مطابق بند ۲ ماده ۸، متعهد است تا در مهلت مقرر در ماده ۱۱ همین قانون، مطابق با مفاد دستور پرداخت دریافتی، دستور پرداختی را برای بانک ذینفع و یا بانک واسطه، صادر و ارسال کند که عندالاقضاء شامل دستورالعمل‌های لازم جهت اجرای دستور پرداخت در یک روش مناسب خواهد بود.

در اجلاس بیست و چهارم آنسیترال، نماینده دولت فرانسه پیشنهاد کرد که در بند ۲ ماده ۸ ذکر شود که نقل و انتقال باید به پولی انجام شود که در متن دستور پرداخت به آن تصریح شده است تا بانک دریافت‌کننده مجاز به تسعیر پول به ارز دیگری نباشد. در مخالفت با این پیشنهاد نماینده آمریکا اظهار داشت که در مقررات و عرف بانکداری بسیاری از کشورها، بانک دریافت‌کننده، وجه را به پول رایج کشورش تبدیل می‌کند و قانون نمونه نباید چنین مقرراتی را تغییر دهد [۳، ص ۷۵]. پس از بحث‌های مختلف بنا شد که قانون نمونه، مداخله‌ای در ضوابط داخلی کشورها راجع به مقررات پولی و

---

1. execution

ارزی نداشته باشد [۴، ص ۶۶-۶۷]. اما به نظر می‌رسد که عبارت «بانک دریافت‌کننده ملزم است... تا دستور پرداختی مطابق با مندرجات دستور پرداخت<sup>۱</sup> دریافت شده... صادر نماید» عملاً تسعیر را منع می‌کند؛ به‌ویژه که برخلاف امکان تغییر بانک واسطه یا سیستم انتقال وجه، مندرج در بند ۳ ماده ۸ قانون نمونه، تغییر پول پیش‌بینی نشده است. توضیح آن‌که اگرچه بانک دریافت‌کننده موظف به رعایت مندرجات دستور پرداخت درخصوص بانک واسطه یا سیستم انتقال وجه است، ولی گاه رعایت این مندرجات ممکن است متعذر یا متعسر باشد. لذا بند ۳ ماده ۸ قانون نمونه پیش‌بینی کرد که در دو فرض، بانک دریافت‌کننده می‌تواند از دستورات ارسال‌کننده پیروی نکند. نخست در جایی که انتقال وجه غیرممکن است و دیگری در جایی که اگرچه انتقال وجه غیرممکن نیست، ولی انتقال به طریق تعیین شده موجب افزایش زیاد هزینه‌ها و یا طولانی شدن زمان انتقال می‌گردد. در این صورت بانک دریافت‌کننده باید فرستنده را در جریان امر قرار دهد و تا قبل از انقضای مهلت اجرای انتقال، مبادرت به اقدامات لازم کند. البته جهت جلوگیری از تصمیم یکجانبه بانک دریافت‌کننده برای تغییر مندرجات دستور پرداخت، اجلاس ۲۴ آنسیترال تصمیم گرفت که امکان تغییر بانک واسطه و یا سیستم انتقال وجه به «طرق انتقال وجه»<sup>۲</sup> تسری پیدا نکند [۴، ص ۶۷].

## ۲-۱-۱-۲. نحوه اجرای بانک ذینفع

قانون نمونه اجرا از منظر بانک ذینفع را تعریف نکرده است، چرا که قانون نمونه اساساً قصد نداشته است که رابطه بانک ذینفع و ذینفع را پوشش دهد [۵، ص ۷۸]. با این حال در برخی موارد استثنائاً به این موضوع پرداخته است. از جمله این موارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

یک- بند ۲ از بند «ب» ماده ۲ که مطابق آن، اجرای دستور پرداخت از سوی بانک

---

1. Article 2: «...consistent with the contents of the payment order...».  
2. means of transmission

ذینفع، علی‌الاصول، منوط به درخواست ذینفع نیست، مگر این‌که دستوردهنده به این امر تصریح کرده باشد.

دو- بند ۱ ماده ۱۰ که مقرر می‌دارد اگر بانک دریافت‌کننده، بانک ذینفع باشد متعهد است تا اعتبار را در اختیار ذینفع قرار دهد و یا مطابق با مفاد دستور پرداخت و قانون حاکم بر روابط میان بانک و ذینفع به طریق دیگری رفتار کند.

سه- بند ۵ ماده ۱۰ که به موجب آن، جز در موردی که دستور پرداخت به نحو دیگری مقرر کرده باشد، بانک ذینفع باید در مهلت مقرر شده برای اجرا مطابق ماده ۱۱، اعلامیه‌ای به ذینفعی که حسابی در آن بانک ندارد بدهد که اعتبار به نفعش نگهداری می‌شود؛ مشروط بر این‌که بانک، اطلاعات کافی جهت دادن چنین اعلامیه‌ای را داشته باشد. از بند اخیرالذکر چنین استنباط می‌شود که ضرورت ارسال اطلاعیه‌ای مبنی بر وصول وجه، تنها در فرض فقدان حساب بانکی مطرح می‌شود و در جایی که وجه به حساب ذینفع در بانک ذینفع منظور می‌شود اطلاع‌رسانی به ذینفع در این خصوص پیش‌بینی نشده است. با این حال محتمل است که در قرارداد فیما بین و یا به موجب قانون حاکم<sup>۱</sup> این تکلیف برای بانک در نظر گرفته شود که فوراً یا ظرف مدت معینی ذینفع را از این موضوع مطلع سازد. بنابراین، اگرچه رابطه ذینفع و بانک ذینفع اصولاً تابع توافق طرفین و قانون حاکم است، ولی لزوماً ذینفع با بانک ذینفع در خصوص انتقال اعتبار قرارداد ندارد و یا حتی ممکن است اصلاً در آن بانک حسابی هم نداشته باشد [۱، ص ۴۴].

## ۲-۱-۲. نحوه اجرا براساس تعداد بانکها

الگوهای متعارفی برای انتقال اعتبار وجود دارد که ممکن است در آن‌ها از یک یا چند

۱. طبق ماده ۵۰ پایا: «عضو مکلف است بلافاصله پس از واریز وجه به حساب ذینفع، مراتب را از طریق ابزارهایی نظیر پیامک، پست الکترونیکی و نظایر آن به اطلاع ذینفع برساند». همچنین مطابق بخش ۴۰۴ از ماده ۴ «الف» قانون یکنواخت تجاری آمریکا، ذینفع باید قبل از نیمه شب فردای روزی که دستور پرداخت به حساب بستنکاری وی منظور شده است از مفاد آن مطلع گردد.

بانک برای انتقال استفاده شود. این الگوها اصولاً بر انتقال اعتبار و یا بر انتقال دین حاکم هستند [۱، ص ۱۴].

#### ۲-۱-۲-۱. اجرا و انتقال از طریق بانک واحد

هنگامی که انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده هر دو در یک بانک حساب دارند، انتقال وجه با بدهکار کردن حساب انتقال‌دهنده و طلبکار کردن حساب انتقال‌گیرنده صورت می‌پذیرد و از این لحاظ تفاوتی میان انتقال اعتبار با انتقال دین نیست، جز این‌که انتقال اعتبار با دستور انتقال‌دهنده و انتقال دین با دستور انتقال‌گیرنده محقق می‌شود [۱، ص ۱۵]. در صورتی که طرفین انتقال هر دو در یک بانک، ولی در دو شعبه مختلف حساب داشته باشند آن دو شعبه در حکم دو بانک مستقل تلقی می‌شوند، اگرچه در یک کشور واقع شده باشند (مستنبط از بند ۶ ماده ۸ و بند ۷ ماده ۱۱ قانون نمونه).

#### ۲-۲-۱-۲. اجرا و انتقال از طریق بانک‌های متعدد

انتقال ممکن است از طریق دو بانک یا بیش‌تر از آن صورت پذیرد.

#### ۲-۲-۱-۲-۱. اجرا و انتقال بدون استفاده از بانک واسطه

انتقال ممکن است تنها از طریق دو بانک و به طور مستقیم صورت پذیرد و هیچ بانک واسطه‌ای بجز خدمات ارتباطی یا اتاق پایاپای وجود نداشته باشد [۱، ص ۱۶]. خدمات ارتباطی ممکن است عمومی باشد، نظیر خدمات پست یا تلکس و یا محدود به یک گروه از بانک‌ها باشد، مانند سوئیفت. صرف‌نظر از محتوای دستور پرداخت، درخصوص ایرادات ناشی از خدمات ارتباطی نظیر تأخیر یا تقلب، استفاده از این خدمات ارتباطی، تأثیری در روابط و حقوق و تکالیف طرفین قرارداد انتقال اعتبار ندارد [۱، ص ۱۵]. بنابراین بانک متعهد، اصولاً نمی‌تواند عدم انجام تعهد یا تأخیر در آن را به خدمات ارتباطی نسبت داده، خود را از مسؤلیت بری

سازد؛ اگرچه بدیهی است که حق رجوع به آن‌ها را خواهد داشت [۱، ص ۱۶].

#### ۲-۱-۲-۲-۲. اجرا و انتقال با استفاده از بانک واسطه

زمانی که دو بانک در ارتباط مستقیم با هم نیستند، جهت انتقال اعتبار از بانک واسطه استفاده می‌شود. تشخیص آثار استفاده از بانک واسطه بر روابط طرفین همیشه به‌سادگی قابل فهم نیست [۱، ص ۱۷]؛ زیرا اگر انتقال اعتبار به‌درستی صورت نپذیرد، غالباً تعیین این‌که چه کسی در این فرایند دچار تقصیر شده دشوار است. هریک از اشخاص شرکت‌کننده در فرایند نظیر بانک واسطه، اتاق پایاپای و غیره، ادعا خواهند کرد که عدم اجرا یا اجرای ناصحیح مربوط به آن‌ها نیست. برای مشتری که خارج از این فرایند است و تنها با بانک خودش رابطه قراردادی دارد سخت است که تشخیص دهد چه کسی مقصر است. مضافاً به فرض تشخیص مقصر، رجوع و اقامه دعوا مقصر که احتمالاً خارج از کشور محل اقامت او است، دشوار است. در نتیجه طبق رویکرد مسؤولیت قراردادی، مشتری می‌تواند به سبب تقصیر دیگران هم به بانک خود رجوع کند، زیرا بانک صادرکننده تعهد کرده است که فرایند به‌درستی اجرا شود و از آن‌جا که شیوه و بانک واسطه را غالباً خود بانک تعیین می‌کند باید عواقب ناشی از تصمیم و انتخاب خود را نیز بپذیرد؛ به‌ویژه که در عمل رجوع بانک به مقصر راحت‌تر از رجوع مشتری به مقصر است [۱، ص ۱۸].

#### ۲-۲. موانع اجرای دستور پرداخت بانکی

ممکن است اجرای دستور پرداخت با موانعی مواجه باشد که گاه این موانع میان تمام بانک‌های دریافت‌کننده مشترک است و گاه تنها اختصاص به بانک ذینفع دارد و در آن بانک موضوعیت پیدا می‌کند. موانع مشترک تحت عنوان موانع عمومی و موانع بانک ذینفع تحت عنوان موانع اختصاصی بررسی شده است.



## ۲-۲-۱. موانع عمومی

طبق بند ۱ ماده ۸، مفاد این ماده درخصوص هر بانک دریافت‌کننده‌ای بجز بانک ذینفع قابل اعمال است، منتها بندهای ۴ و ۵ این ماده عیناً در بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۰ ناظر به بانک ذینفع هم تکرار شده است. در نتیجه این دو بند درخصوص هر بانک دریافت‌کننده‌ای اعمال خواهد شد. علاوه بر موانع مصرح در قانون نمونه، موانعی دیگری از قبیل اختلال در شبکه ارتباطی و محدودیت‌های ارزی نیز قابل تصور است که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

## ۲-۲-۱-۱. عدم کفایت اطلاعات

هرگاه دستوری دریافت شده که به نظر می‌رسد قصد شده که یک دستور پرداخت محسوب شود، اما به دلیل عدم کفایت اطلاعات دستور پرداخت محسوب نمی‌شود و یا دستور پرداخت محسوب می‌شود، ولی به دلیل عدم کفایت اطلاعات قابل اجرا نیست، در صورتی که ارسال‌کننده قابل شناسایی باشد، بانک دریافت‌کننده باید در مهلت مقرر در ماده ۱۱، اعلامیه‌ای مبنی بر عدم کفایت اطلاعات ارسال کند (بند ۴ ماده ۸ و بند ۲ ماده ۱۰).

قانون نمونه تعیین نکرده است که چه اطلاعاتی مانع دستور پرداخت شناخته شدن و چه اطلاعاتی مانع اجرای دستور پرداخت است؛ منتها به لحاظ عملی، در اعمال این مقرر تفاوتی میان این دو دسته اطلاعات نیست، چرا که در هر دو مورد، بانک موظف به ارسال اعلامیه است. شرط ارسال اعلامیه، همیشه مشخص بودن هویت ارسال‌کننده است؛ زیرا در غیر این صورت ارسال اعلامیه عملاً امکان‌پذیر نیست.<sup>۱</sup>

طبق ماده ۵ دستورالعمل، دستورپرداخت باید شامل موارد زیر باشد:

۱. مشخصات صادرکننده،

---

۱. برای مشاهده مورد مشابه در حقوق داخلی، رجوع کنید به ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی.

۲. مشخصات ذینفع،
۳. مشخصات مؤسسه مالی و حساب ذینفع،
۴. نوع دستورپرداخت،
۵. تاریخ صدور و تاریخ مؤثر پرداخت،<sup>۱</sup>
۶. جزئیات انتقالات به صورتی که در مواد آتی آمده است،
۷. نحوه تأمین وجه دستورپرداخت، به صورت نقدی یا برداشت از حساب،
۸. مشخصات حساب صادرکننده (در صورت تأمین وجه به صورت برداشت از حساب).<sup>۲</sup>

#### ۲-۱-۲-۲. تعارض اطلاعات

هنگامی که بانک دریافت‌کننده تشخیص دهد که در اطلاعات مربوط به میزان مبلغی که باید انتقال داده شود تعارض وجود دارد، در صورتی که ارسال‌کننده قابل شناسایی باشد، باید در مهلت مقرر شده در ماده ۱۱، اعلامیه‌ای مبنی بر تعارض به ارسال‌کننده بفرستد (بند ۵ ماده ۸ و بند ۳ ماده ۱۰).<sup>۳</sup>

به نظر نمی‌رسد که مبلغ مورد انتقال خصوصیتی داشته باشد و لذا می‌توان چنین حکم کرد که ارسال اعلامیه تعارض، در صورت وجود تعارض میان اطلاعات دستور

۱. طبق بند ۷ ماده ۱ دستورالعمل، تاریخ مؤثر، تاریخی است که صادرکننده برای اجرای دستورپرداخت مشخص کرده است.

۲. با توجه به ماده ۱۵ دستورالعمل، در حقوق ما، فقدان موجودی یا کسری موجودی حساب صادرکننده نیز از موانع انتقال وجه محسوب می‌شود. بنابراین در صورت اجرای چنین دستورپرداختی از سوی بانک، ادعای بانک مبنی بر فقدان یا کسری موجودی حساب و یا پرداخت بر مبنای اعتبار صادرکننده، امری خلاف ظاهر است که باید اثبات گردد.

۳. اگرچه بند ۳ ماده ۱۰ از بند ۵ ماده ۸ گرفته شده است، ولی از یک جهت با آن متفاوت است و آن این‌که طبق قسمت اخیر بند ۵ ماده ۸ پرداخت خسارت بهره به علت کوتاهی بانک دریافت‌کننده در ارسال اطلاعیه از بهره‌ای که باید به‌عنوان خسارت پرداخت شود کسر می‌گردد، در حالی که بند ۳ ماده درخصوص بانک ذینفع فاقد چنین مقرره‌ای است.

پرداخت، به نحوی که مانع اجرا باشد، در صورتی که مربوط به مبلغ هم نباشد، ضروری بوده، مقرر فوق ناظر به مورد غالب است.

ممکن است این سؤال مطرح شود که در صورت وجود دو مبلغ در دستور پرداخت، آیا بانک دریافت‌کننده نمی‌تواند همانند ماده ۹ قانون متحدالشکل ژنو راجع به چک مصوب ۱۹۳۱ و ماده ۲۲۵ قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۱۱ در خصوص اختلاف در مبلغ برات، مبلغ با حروف درج شده را در جهت رعایت اصاله‌الظهور و یا مبلغ کم‌تر را در جهت رعایت اصل عدم زیاده و برائت اجرا کند؟<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد که پاسخ سؤال بالا منفی باشد، زیرا اولاً برخلاف صراحت مقررات فوق، در قانون نمونه چنین نصی وجود ندارد؛ ثانیاً بند ۵ ماده ۸ اطلاق داشته و صرف وجود تعارض را مانع اجرا دانسته است. مشروح مذاکرات نمایندگان در اجلاس ۲۴ آنسیترال هم مؤید همین مطلب است [۳، ص ۷۸] که نه تنها هیچ کدام از قواعد فوق اجرا نمی‌شود، بلکه اساساً بانک دریافت‌کننده هیچ نوع مسئولیتی در تحقیق و بررسی تطابق میان اعداد و حروف مبلغ دستور پرداخت ندارد. این رویکرد بنا بر اصرار نماینده آمریکا اتخاذ شد که مدعی بود در روش‌های جدید رایانه‌ای که در خصوص انتقال وجوه اعمال می‌شود، هرگز حروف مورد توجه قرار نگرفته و فقط اعداد مندرج در رایانه مورد عمل قرار می‌گیرد. لذا برای سازش میان این روش و روش سنتی تقدم حروف بر اعداد، تصمیم گرفته شد که هیچ گونه وظیفه‌ای برای بانک دریافت‌کننده در مطابقت بین اعداد و حروف مورد شناسایی قرار نگیرد. به عبارت دیگر، اگر کارمندان بانک دریافت‌کننده دستور پرداخت، اتفاقاً تفاوت بین اعداد و حروف را کشف کردند، باید به تکلیف مندرج در بند ۵ ماده ۸ عمل کنند وگرنه مسئولیتی برعهده بانک دریافت‌کننده در مطابقت بین اعداد و حروف پذیرفته نشده است [۴، ص ۷۰].

۱. طبق ماده ۲۲۵ قانون تجارت: «تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می‌شود. اگر مبلغ بیش از یک دفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آن‌ها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است. اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آن‌ها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است.»

#### ۲-۱-۳. اختلال در شبکه ارتباطی

ممکن است عدم امکان اجرای دستورپرداخت به واسطه اختلال در شبکه ارتباطی باشد. برخلاف قانون نمونه که متعرض این موضوع و پیامدها و مسؤولیت‌های ناشی از آن نشده است، مقررات داخلی در موارد متعددی بر مسؤولیت بانک در صورت بروز چنین حوادثی تصریح و تأکید کرده اند. طبق ماده ۵۵ موافقتنامه عضویت در سامانه پایاپای الکترونیکی (پایا)، در صورتی که ارتباط عضو با «پایا» به دلیل بروز اختلال در سامانه‌های داخلی او، قطع باشد، وی در مقابل مشتریان خود مسؤول بوده، راهبر در این زمینه هیچ‌گونه مسؤولیتی نخواهد داشت. تبصره ماده ۴۰ ساتنا نیز متضمن حکمی مشابه است.

#### ۲-۱-۴. محدودیت‌های ارزی

در پرداخت‌های بین‌المللی، وجه دستور پرداخت ممکن است متفاوت از وجه ملی بانک‌های شرکت‌کننده در فرایند باشد و مقررات ارزی بانک صادرکننده یا واسطه یا زینفع انتقال وجه به ارز خارجی معینی را منع یا محدود کرده باشد. برخی از حقوقدانان ممنوع شدن پرداخت ارزی در یک کشور را از جهات عقیم شدن قرارداد دانسته‌اند و معتقدند که بانک می‌تواند این وجه را از طریق بانک واسطه در خارج از کشور منتقل یا با استفاده از سایر شیوه‌های انحرافی قرارداد را اجرا کند [۶، ص ۶۸]؛ منتها این نظر مورد انتقاد قرار گرفته است که اولاً بانک را نمی‌توان به امری خارج از قرارداد ملزم ساخت و ثانیاً مقررات ارزی اصولاً با نظم عمومی اقتصادی یک کشور در ارتباط است و استفاده از طرق انحرافی نوعی تقلب نسبت به قانون ارزی محسوب می‌شود [۶، ص ۶۸]. بنابراین، غالب حقوقدانان معتقدند که ممنوعیت پرداخت با ارز معین از مصادیق قوه قاهره بوده، متعهد را از مسؤولیت ناشی از عدم اجرا معاف می‌گرداند [۷، ص ۲۹۳].

## ۲-۲-۲. موانع اختصاصی

مفاد بند ۴ و ۵ ماده ۱۰ در ماده ۸ مطرح نشده است. لذا این دو بند به‌عنوان موانع اختصاصی اجرا بر سر راه بانک ذینفع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲-۲-۲-۱. تعارض اطلاعات ناظر به هویت ذینفع

هنگامی که بانک ذینفع، تشخیص دهد که تعارضی در خصوص اطلاعات شناسایی و هویت ذینفع وجود دارد، باید در مهلت مقرر شده در ماده ۱۱، به ارسال‌کننده اعلامیه تعارض بدهد، مشروط بر این‌که ارسال‌کننده قابل شناسایی باشد (بند ۴ ماده ۱۰).

## ۲-۲-۲-۲. فقدان حساب بانکی

جز در موردی که دستور پرداخت به نحو دیگری مقرر کرده باشد، بانک ذینفع باید در مهلت مقرر شده برای اجرا مطابق ماده ۱۱، اعلامیه‌ای به ذینفعی که حسابی در آن بانک ندارد بدهد که اعتبار به نفعش نگهداری می‌شود، مشروط بر این‌که بانک اطلاعات کافی برای دادن چنین اعلامیه‌ای را داشته باشد (بند ۵ ماده ۱۰).

قانونه نمونه تکلیف بانک در صورت عدم وجود اطلاعات کافی برای ارسال چنین اعلامیه‌ای را تعیین نکرده است؛ ولی نظر به این‌که اولاً بدون صدور چنین اعلامیه‌ای، اجرا محقق نخواهد شد، ثانیاً تعهد به امری، تعهد به لوازم آن نیز هست و ثالثاً به موجب ماده ۱۳ اشخاص شرکت‌کننده جهت اتمام فرایند متعهد به همکاری<sup>۱</sup> هستند، به نظر می‌رسد که بانک ذینفع باید اعلامیه‌ای مبنی بر عدم کفایت اطلاعات برای ارسال‌کننده بفرستد؛ به‌ویژه آن‌که صدور چنین اعلامیه‌ای از سوی بانک ذینفع به ارسال‌کننده، علی‌الاصول غیرممکن نیست و در سایر موارد که ارسال اعلامیه مشروط به قابل شناسایی بودن ارسال‌کننده شده است، به خاطر عدم امکان ارسال اعلامیه در صورت فقدان چنین شرطی است.

---

1. assistance

### ۳. مهلت اجرای دستور پرداخت و اتمام فرایند

از یک سو بانک دریافت‌کننده دستور پرداخت موظف است دستور پرداخت را ظرف مدت معینی اجرا کند و از سوی دیگر زنجیره دستور پرداخت‌ها در نقطه‌ای قطع شده و انتقال اعتبار محقق شده تلقی می‌شود. موضوع نخست، یعنی مهلت اجرای دستور پرداخت و موضوع دوم، یعنی اتمام فرایند هرکدام به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است.

#### ۳-۱. مهلت اجرای دستور پرداخت بانکی

طبق بند «ک» ماده ۲ قانون نمونه، مهلت اجرا<sup>۱</sup> به معنای دوره یک یا دو روزه‌ای است که از اولین روزی که دستور پرداخت باید مطابق بند ۱ ماده ۱۱ شروع شود، آغاز و در آخرین روزی که دستور پرداخت باید اجرا شود، پایان می‌پذیرد.

تعهد اصلی بانک دریافت‌کننده دستور پرداخت، اجرای دستور پرداخت است؛ منتها اجرای دستور پرداخت باید مطابق با شرایط مقرر شده در آن باشد که یکی از این شرایط، رعایت مهلت مقرر است. تعیین مهلت معمولاً با توجه به شیوه و وسیله انتقال اعتبار تعیین می‌شود. با این حال ممکن است اصلاً طرفین متعرض این مطلب نشوند که در این صورت قاعده تکمیلی مقرر در قانون نمونه جانشین اراده واقعی طرفین خواهد شد. لذا مهلت اجرا در فرض تعیین آن از سوی طرفین و عدم تعیین آن قابل بررسی است.

پرونده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

#### ۳-۱-۱. تعیین مهلت اجرا از سوی طرفین

تعیین مهلت ممکن است صریح یا ضمنی باشد.

##### ۳-۱-۱-۱. تعیین صریح مهلت

طبق بند «الف» از بند ۱ ماده ۱۱ قانون نمونه، در صورتی که برای اجرای دستور

---

1. execution period

پرداخت مهلتی مقرر شده باشد، دستور پرداخت باید در همان مهلت اجرا شود. البته توافق بر سر مهلت اجرا تنها از سوی صادرکننده و بانک دریافت‌کننده معتبر است و بانک‌های واسطه نمی‌توانند بدون رضایت صادرکننده آن را تغییر دهند [۸، ص ۸۱].

### ۳-۱-۱-۲. تعیین ضمنی مهلت

تعیین ضمنی مهلت در جایی است که ارسال‌کننده در دستور پرداخت مهلت اجرای آن را برای بانک دریافت‌کننده به طور صریح و دقیق تعیین نکرده است، بلکه تاریخ رسیدن اعتبار به ذینفع را تعیین کرده که در این صورت بانک دریافت‌کننده باید به نحوی عمل کند که بانک ذینفع فرصت کافی برای قبول و اجرای دستور پرداخت در آن تاریخ را داشته باشد (بند ب از بند ۱ ماده ۱۱ قانون نمونه).

### ۳-۱-۲. عدم تعیین مهلت اجرا از سوی طرفین

در صورتی که طرفین برای اجرا مهلتی تعیین نکرده باشند، طبق بند ۱ ماده ۱۱ قانون نمونه، بانک دریافت‌کننده‌ای که ملزم به اجرای دستور پرداخت است باید آن را در همان روز دریافت، اجرا کند و اگر چنین نکند باید آن را در روز بانکی<sup>۱</sup> بعد از دریافت اجرا کند.

در طرح اولیه قانون نمونه پیش‌بینی شده بود که دستور پرداخت باید در همان روز وصول اجرا شود؛ ولی بسیاری از نمایندگان کشورها موافق اعطا یک مهلت یک یا دو روزه به بانک‌ها بودند، حال آن‌که برخی دیگر از کشورها این مهلت را موجب سوءاستفاده بانک‌ها برای تأخیر در اجرای دستور پرداخت و موجب اختلال در امور بازرگانی می‌دانستند. در نهایت امر، اصل اجرای دستور پرداخت در همان روز وصول و حداکثر فردای آن روز پذیرفته شد، مگر این‌که توافق صریح یا ضمنی مبنی بر اجرای

۱. طبق بند «ی» ماده ۲ قانون نمونه، روز بانکی [banking day]، بخشی از روز است که بانک به اجرای امور بانکی اشتغال دارد.

مؤجل وجود داشته باشد. اگرچه در اجلاس بیست و چهارم آنسیترال به بانک اجازه داده شد که دستور پرداخت را در فردای روز وصول اجرا کند، ولی در بند ۲ ماده ۱۱ به این مسأله اشاره شد که این تأخیر نباید موجب تغییر در ارزش محاسبه وجه از نظر بهره، نرخ تسعیر و یا غیره گردد [۴، ص ۸۴-۸۵]. طبق بند اخیرالذکر: «اگر بانک دریافت‌کننده، دستور پرداخت را فردای روز دریافت آن اجرا کند، جز در موردی که این تأخیر در راستای اجرای بند «الف» و «ب» از بند ۱ باشد، بانک دریافت‌کننده باید آن را براساس ارزش تاریخ روز دریافت عمل کند».

بانک‌ها معمولاً دستور پرداخت‌ها را براساس معیارهایی دسته‌بندی کرده، روز یا ساعات خاصی را به اجرای هر یک از آنها اختصاص می‌دهند. لذا در صورتی که بانک دستور پرداخت را بعد از اتمام ساعت کاری برای نوع خاصی از دستور پرداخت دریافت کند، می‌تواند با آن دستور پرداخت طوری رفتار کند که گویی در روز متعاقبی که آن نوع دستور پرداخت اجرا می‌شود دریافت شده است (بند ۵ ماده ۱۱). همچنین است در مورد دستور پرداختی که بانک آن نوع دستور پرداخت را در روز دریافت‌شده اجرا نمی‌کند. در این صورت بانک باید آن دستور پرداخت را در اولین روز بانکی که آن نوع دستور پرداخت‌ها را اجرا می‌کند، اجرا کند (بند ۶ ماده ۱۱). به‌عنوان نمونه اگر بانک دستور پرداخت‌های خارجی را تنها در روزهای زوج اجرا کند و چنین دستور پرداختی در روز فرد دریافت شود، بانک باید این دستور پرداخت را در اولین روز متعاقب دریافت، اجرا کند. در واقع روز دریافت، نسبت به آن دستور پرداخت خاص روز بانکی محسوب نمی‌شود؛ زیرا بانک به اجرای آن دستور پرداخت اشتغال ندارد. تعیین روز یا ساعات دریافت دستور پرداخت‌ها ممکن است به طور یکجانبه توسط هر بانک مقرر و اجرا شود و یا ممکن است طبق توافقی بین بانک‌های گوناگون و به‌ویژه به‌عنوان مقررات داخلی اتاق پایاپای و یا نظام انتقال وجوه پیش‌بینی گردد [۴، ص ۸۵].



### ۲-۳. اتمام فرایند انتقال

مطابق بند «الف» ماده ۲ قانون نمونه، انتقال اعتبار زنجیره‌ای از دستور پرداخت به منظور انتقال اعتبار به ذینفع است؛ زنجیره‌ای که گاه متضمن چندین قرارداد است [۹، ص. ۴۲۷]، نظیر:

۱. قرارداد صادرکننده با بانک صادرکننده،
۲. قرارداد بانک صادرکننده با بانک واسطه،
۳. قرارداد بانک واسطه با بانک ذینفع،
۴. قرارداد بانک ذینفع با ذینفع.

حال سؤال این است که اولاً از نظر قانون نمونه انتقال اعتبار در کدامیک از مراحل فوق محقق و تمام شده تلقی می‌شود و ثانیاً تعیین لحظه اتمام فرایند چه آثاری را به دنبال دارد.

### ۳-۲-۱. زمان اتمام فرایند انتقال

۱. درخصوص زمان تأدیه و اتمام فرایند، نظرهای متعددی وجود دارد [۱۰، ص ۱۳۸؛ ۱۱، ص ۱۶۹؛ ۱۲، ص ۵۸] که از میان آن‌ها، دو نظر با اقبال بیش‌تری مواجه شده است [۱۳، ص ۵۶۵]: یکی زمان قبولی دستورپرداخت از سوی بانک ذینفع و دیگری زمان واریز وجه به حساب ذینفع. طبق بند ۱ ماده ۱۹ قانون نمونه: «هنگامی که بانک ذینفع دستور پرداخت به سود ذینفع را قبول می‌کند، انتقال اعتبار به پایان می‌رسد.»؛ اما دستورالعمل در این خصوص صراحتی ندارد؛ ولی از مجموع مقررات موجود چنین به نظر می‌رسد که نظر فوق، در نظام حقوقی ما نیز قابل پذیرش است. تبصره ماده ۲۶ موافقتنامه عضویت در سامانه تسویه ناخالص آنی (ساتنا) مؤید همین نظر است. طبق این مقرره: «ساتنا درخصوص واریز وجه دستور پرداخت بین بانکی به حساب ذینفع نهایی مسؤولیتی نداشته، عملیات آن با واریز وجه به حساب [بانک] عضو ذینفع و اعلام آن به وی به پایان می‌رسد». مسؤولیت بانک ذینفع و در مقابل آن، عدم مسؤولیت سایر

شرکت‌کنندگان در فرایند انتقال اعتبار، مفید این معنا است که ذینفع تنها می‌تواند به بانک ذینفع مراجعه کند. اگرچه به صورت سنتی، ایفای تعهد با پرداخت پول صورت می‌گیرد، ولی واقعیت این است که در روابط معاملاتی استفاده از نظام انتقال وجه بانکی، جهت پرداخت ثمن معامله، به‌ویژه در معاملات بین‌المللی یا انتقال‌های کلان، یک شیوه مورد توافق و گاه ضروری و یا لاقبل متعارف است که به واسطه آن، بدهکار سعی در پرداخت دین و ایفای تعهد خویش دارد و نمی‌توان در چنین معاملاتی همچنان بر آن رویکرد سنتی پافشاری کرد؛ چرا که اصولاً ایفای تعهد و این‌که اجرای تعهد تا چه میزانی در اختیار متعهد است، بستگی به مفاد آن دارد و همین معیار اخیر باعث شده است برخی تعهدات، تعهد به وسیله و برخی دیگر تعهد به نتیجه باشند. اگرچه تعهد صادرکننده در ارسال وجه، تعهد به نتیجه محسوب می‌شود، ولی به نظر می‌رسد که این تعهد تنها ناظر به بانک صادرکننده و بانک‌های واسطه است و بانک ذینفع را در بر نمی‌گیرد؛ زیرا تحمیل چنین تعهدی به عنوان یک قاعده عمومی، بر صادرکننده تا حدودی گزاف است؛ به‌ویژه این‌که در انتقالات بین‌المللی معمولاً، بانک ذینفع در کشوری غیر از محل اقامت صادرکننده قرار دارد و طرح دعوا از سوی صادرکننده، به لحاظ صلاحیت محلی دادگاه رسیدگی‌کننده یا اجرای رأی یا دشواری همراه است. به عبارت دیگر، پذیرش این نظریه با مصالح عملی و اقتصادی نیز همسو است؛ زیرا اصولاً رجوع ذینفع به بانک مقصد راحت‌تر از رجوع صادرکننده به این بانک است و ریسک اقتصادی ناشی از فرایند انتقال اعتبار به نحو عادلانه‌تری توزیع می‌گردد؛ ویژگی‌ای که تقریباً در خصوص اعتبارات اسنادی نیز وجود دارد [برای مشاهده نظرهای دیگر ر.ک: ۱۴، ص ۲۶۲].

### ۳-۲-۲. آثار اتمام فرایند انتقال

تعیین زمان اتمام فرایند در روابط اشخاص شرکت‌کننده در فرایند مؤثر است؛ اثری که نظر به طرفین این روابط ممکن است متفاوت باشد. لذا چهار رابطه قراردادی شایع در

انتقال اعتبار به تفکیک و به طور مجزا بررسی شده است.

### ۳-۲-۱. در رابطه صادرکننده با ذینفع

در مورد انتقال اعتباری که هدف آن پرداخت دین به طلبکار است میان نمایندگان شرکت کننده در اجلاس آنسیترال اختلاف وجود داشت که صادرکننده چه زمانی بری‌الذمه می‌شود. عده‌ای معتقد بودند که با قبول دستور پرداخت از سوی بانک ذینفع، صادرکننده دین خود را ادا کرده است و عده‌ای دیگر پرداخت وجه از سوی بانک ذینفع به ذینفع را شرط برائت ذمه او می‌دانستند. در نهایت آنسیترال بر آن شد تا در جهت جمع هر دو نظر، نظر اول را در متن قانون نمونه و نظر دوم را در پاورقی ماده ۱۹ بیاورد تا کشورهایی که علاقه‌مند به پذیرش این نظریه هستند آن را تصویب کنند [۲]، ص ۲۵].

پایان انتقال اعتبار بیش‌تر در جایی حائز اهمیت است که صادرکننده در صد پرداخت دین خود به ذینفع است و گرنه در جایی که صادرکننده قصد تهیه اعتبار برای خود را دارد، تغییر و قطع ارتباط صادرکننده با ذینفع معنایی ندارد؛ زیرا در چنین مواردی آغازگر فرایند و ذینفع یک شخص است و پایان انتقال در چنین مواردی تنها در روابط صادرکننده با بانک صادرکننده و رابطه او این بار به‌عنوان ذینفع با بانک ذینفع است [۲، ص ۲۵]. بنابراین، اتمام فرایند به نحو صحیح نه‌تنها موجب بری‌الذمه شدن صادرکننده در مقابل ذینفع است، بلکه موجب برائت هر بانک دریافت‌کننده‌ای هم خواهد بود. انتقال اعتبار در صورتی با قبول بانک ذینفع تمام شده محسوب می‌شود که به نحو صحیحی اجرا شده باشد. با این حال طبق بند ۲ ماده ۱۹ قانون نمونه، در صورتی که به سبب کسر هزینه های انتقال، میزان دستور پرداخت قبول شده کم‌تر از میزان دستور پرداخت صادر شده از سوی صادرکننده باشد، این امر مانع از اتمام انتقال فرایند نخواهد بود، منتها ذینفع می‌تواند در صورت نیاز، براساس قرارداد پایه برای وصول این کسری به صادرکننده رجوع کند.

### ۳-۲-۲. در رابطه صادرکننده با بانک صادر کننده

بانک صادرکننده مکلف است وجه را به بانک ذینفع برساند و نمی‌تواند برای رهایی از مسئولیت ناشی از عدم اجرای این تعهد به تقصیر بانک‌های واسطه متوسل شود. بنابراین تا زمانی که فرایند انتقال به پایان نرسیده، بانک صادرکننده در برابر صادرکننده مسئول است؛ ولو در راستای اجرای دستور پرداخت صادر کننده، دستور پرداختی را برای بانک واسطه ارسال کرده باشد؛ زیرا تا قبل از قبولی دستور پرداخت از سوی بانک ذینفع، تعهد بانک صادرکننده به نحو کامل اجرا نشده است.

### ۳-۲-۳. در رابطه بانک‌های شرکت‌کننده در فرایند انتقال اعتبار

هر بانکی که در فرایند انتقال اعتبار شرکت دارد در قبال اقدامات خود و بانک‌های متعاقب مسئول است؛ مسئولیتی که با قبولی دستور پرداخت از سوی بانک ذینفع به پایان رسیده، ذمه همه بانک‌ها بری می‌شود.

### ۳-۲-۴. در رابطه ذینفع با بانک ذینفع

طبق قسمت اخیر بند ۱ ماده ۱۹ قانون نمونه: «... هنگامی که انتقال اعتبار به پایان رسید، بانک ذینفع، ذینفع را به میزان دستور پرداختی که قبول کرده است طلبکار می‌کند. پایان انتقال اعتبار، اثر دیگری بر روی روابط ذینفع با بانک ذینفع ندارد».

از مقرر فوق چنین استنباط می‌شود که ارتباط میان بانک ذینفع و ذینفع از شمول مقررات قانون نمونه خارج است و لذا اولاً با قبول دستور پرداخت از سوی بانک ذینفع، انتقال اعتبار و تعهد صادرکننده به پایان رسیده، عدم پرداخت اعتبار از سوی بانک به ذینفع مانع برائت ذمه صادرکننده نخواهد بود و ذینفع برای وصول طلب خود راهی جز مراجعه به بانک ذینفع ندارد. ثانیاً روابط ذینفع با بانک ذینفع تابع قانون حاکم و قرارداد فیما بین است و قانون نمونه، جز در موارد استثنا، مقرراتی درخصوص تنظیم روابط فوق ندارد. به همین دلیل قانون نمونه درخصوص مهلت اجرای دستور پرداخت از

سوی بانک ذینفع ساکت است. ثالثاً تعهد سایر بانک‌ها به همکاری در جهت انتقال اعتبار میان بانک ذینفع و ذینفع، ظاهراً منتفی است؛ زیرا طبق ماده ۱۳ قانون نمونه، تا زمانی که انتقال اعتبار تمام شود، هر بانک دریافت‌کننده ملزم به همکاری با صادرکننده و بانک‌های ارسال‌کننده بعدی است و این همکاری را با بانک‌های دریافت‌کننده بعدی تا اتمام رویه بانکی انتقال اعتبار ادامه می‌دهد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

۱. انتقال وجه از طریق شبکه بانکی مستلزم انعقاد قراردادهای گوناگون میان اشخاص شرکت‌کننده در فرایند انتقال وجه است؛ قراردادهایی که پذیرنده دستور پرداخت را متعهد به اجرای آن می‌کند.

۲. اجرای دستور پرداخت در جایی که از طریق بانک واحد صورت می‌گیرد با بدهکار کردن حساب صادرکننده و بستن‌کار کردن حساب ذینفع محقق می‌شود.

۳. در صورتی که بانک صادرکننده با بانک ذینفع متفاوت باشد، بانک صادرکننده باید در راستای اجرای دستور پرداخت صادرکننده، دستور پرداختی را مطابق با دستور پرداخت دریافتی صادر کند. چنانچه بانک صادرکننده با بانک ذینفع در ارتباط مستقیم نباشد، انتقال وجه با استفاده از بانک واسطه صورت می‌گیرد.

۴. اجرای دستور پرداخت گاه به دلیل نقص یا اشتباه در دستور پرداخت و یا اختلال شبکه بانکی و یا محدودیت‌های ارزی قابل اجرا نیست. در مورد مانع اول، اصولاً تقصیر متوجه صادرکننده است و بانک مسؤل تکمیل یا تصحیح کردن دستورپرداخت نیست و لذا مسؤلیتی در قبال عدم اجرای چنین دستورپرداختی ندارد. در مانع دوم اصولاً بانک مسؤل است، به‌ویژه اگر اختلال در شبکه داخلی بانک باشد. در مانع سوم اصولاً بانک مسؤلیتی ندارد و می‌تواند جهت رفع مسؤلیت به محدودیت ارزی به‌عنوان قوه قاهره استناد کند.

۵. تعهد بانک صادرکننده به اجرای دستورپرداخت، تعهد به نتیجه است و زمانی

ذمه بانک بری می‌شود که فرایند انتقال اعتبار به نحو کامل و صحیح به اتمام برسد. بانک نه‌تنها در این فرایند مسئول عملکرد خود است، بلکه اصولاً نسبت به عملکرد بانک‌های واسطه‌ای که جهت انتقال اعتبار از آن‌ها استفاده می‌کند نیز مسئول است و نمی‌تواند جهت رفع مسئولیت از خود به تقصیر آن‌ها تمسک بجوید.

۶. با پذیرش دستورپرداخت از سوی بانک ذینفع، ذمه صادرکننده در مقابل ذینفع بری می‌شود و ذینفع می‌تواند براساس قرارداد خود و بانک ذینفع و قانون حاکم بر روابط آن‌ها تنها به بانک ذینفع مراجعه کند. نظریه اخیر، ریسک را به نحو معقولی در فرایند انتقال وجه، میان عوامل شرکت‌کننده در آن توزیع می‌کند و لذا پذیرش آن از سوی نظام حقوقی کشورمان به نحو صریح، هم از لحاظ همسویی با رویه بانکداری بین‌المللی و هم به لحاظ تحلیل اقتصادی موجه‌تر است. تأکید مقررات داخلی بر مسئولیت کامل بانک ذینفع در واریز وجه به حساب ذینفع و عدم مسئولیت سایر اشخاص شرکت‌کننده در فرایند هم می‌تواند مبنای قانونی قابل قبولی برای پذیرش این نظریه در نظام حقوقی ایران محسوب شود.

## ۵. منابع

- [1] UNCITRAL legal Guide on Electronic Funds Transfer Prepared by the Secretariat of the United Nation Commission on International Trade Law, A/CN.9/SER.B/1987, at: [www.uncitral.org/pdf/english/texts/.../transfers/LG\\_E-fundstransfer-e.pdf](http://www.uncitral.org/pdf/english/texts/.../transfers/LG_E-fundstransfer-e.pdf), Last Visit: 2014.
- [2] Explanatory Note by the UNCITRAL Secretariat on the Model Law on International Credit Transfers, A/CN.9/346 Reproduced in UNCITRAL Yearbook, Vol. XXII-1991, at: [www.uncitral.org/pdf/english/texts/payments/transfers/ml-credittrans.pdf](http://www.uncitral.org/pdf/english/texts/payments/transfers/ml-credittrans.pdf), Last Visit: 2014.
- [3] 24<sup>th</sup> Report of the United Nation Commission on International Trade Law,

Document A/CN.9/346, 1991, at: <http://www.uncitral.org/uncitral/en/commission/sessions/24th.html>, Last Visit: 2014.

[۴] عنایت، سید حسین، *حواله‌های بانکی بین‌المللی و قانون نمونه یونسیترال*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.

[5] 20<sup>th</sup> Report of the Working Group on International Payments on the Work, Document A/CN.9/329, 1989, at: [www.uncitral.org/uncitral/en/.../working\\_groups/4Payments.html](http://www.uncitral.org/uncitral/en/.../working_groups/4Payments.html), Last Visit: 2014.

[6] Proctor, Charles, *Mann on the Legal Aspect of Money*, 7<sup>th</sup> Ed, London, Oxford University Press, 2013.

[۷] کلایو ام. اشمیتوف، *حقوق تجارت بین‌الملل*، ترجمه بهروز اخلاقی، ج ۱، تهران، سمت، ۱۳۷۸.

[8] 22<sup>th</sup> Report of the Working Group on International Payments on the Work, A/CN.9/344, 1990, at: [www.uncitral.org/uncitral/en/.../working\\_groups/4Payments.html](http://www.uncitral.org/uncitral/en/.../working_groups/4Payments.html), Last Visit: 2014.

[9] Hapgood, Mark, *Paget's Law of Banking*, London, LexisNexis Butterworths, 2007.

[۱۰] السان، مصطفی، *حقوق بانکی*، تهران، سمت، ۱۳۸۹.

[۱۱] \_، *حقوق پرداخت‌های بانکی*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۹.

[۱۲] کاتوزیان، ناصر، *قواعد عمومی قراردادها*، ج ۴، چ ۶، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.

[13] Ellinger, EP, Lomnicka, Eva & Hare, C.V.M, *Ellinger's Modern Banking Law*, London, Oxford University Press, 2009.

[14] Cranston, Ross, *Principles of Banking Law*, London, Oxford University Press, 1997.